

# بسم الله الرحمن الرحيم

ای که با نامت جهان آغاز شد

دفتر ما هم به نامت باز شد

## پیش گفتار

اسفند ۱۴۰۰

شناخت جهان هستی به مسئله‌ی خلقت انسان برمی‌گردد. خداوند محور هستی و انسان محور اصلی خلقت است. اینکه چگونه انسان به وجود آمد و هدف از خلقت وی چیست یا اینکه فرآیند این خلقت چگونه بوده است و سرانجام چه خواهد شد؛ همه‌ی اینها به شناخت جهان کمک می‌کند. مخلوقات مظاهر اسماء الهی هستند و انسان مظهر احسن اسماء است و شناخت آفرینش او هم شناخت جهان هستی است.

مسئله‌ی خلقت آدم (ع) از مسائل بسیار پیچیده‌ای است که هر فرد عادی از آن غافل است و هر محققى در فهم آن مبهوت. غالب نوشته‌هایی که در باب خلقت آدم مطرح شده، اعم از کتب آسمانی و روایات ائمه‌ی معصومین (ع) و نوشته‌های دانشمندان و تواریخ، همه و همه گسترده، پیچیده، متضاد و در مواردی مبهم است چنانکه سیر شناختی یک ذهن کنجکاو را به بیراهه یا بن‌بست می‌کشاند. در کنار این موضوع، مسائلی مانند خلقت آسمان‌ها و زمین، فرشتگان، ماهیت خلق و امر، اسماء الهی، قضا

و قدر، جبر و اختیار، بهشت و جهنم و موضوعات بسیار دیگری که محققان اسلامی و غیرمسلمان پیرامون آنها سخن گفته‌اند ماحثی مهم و همه مرتبط با خلقت انسان است؛ لیکن در اغلب آنها، مسائل به صورت پیش‌پا افتاده و سطحی نگریسته شده و با وجود اینکه این مباحث از مفاهیم عمیق علمی محسوب می‌شوند، به صورت مبهم، گنگ و دور از اصل و حقیقت بیان شده و درک دقیقی از آنها به عمل نیامده است. جالب آنکه خود مفهوم «علم» نیز از آن جمله است که در کنار مفهوم «عقل» همچنان ناشناخته باقی مانده است و به جز خصوصیات و عوارضی چند از این موضوعات، درک شایسته‌ای از ماهیت آنها حاصل نشده است.

خدا انسان را موجودی متفکر و صاحب اندیشه و رای آفرید، به او قدرت استدلال داد تا بتواند حقایق را نیکو دریابد و حق و باطل را تشخیص دهد. انسان همواره دارای اندیشه بوده و به اندیشیدن و تفکر سفارش شده تا بداند و بیابد، و از اهداف آفرینش جهان نیز همین اندیشیدن و یافتن است. اندیشه در مفاهیم خلقت و سیر این خلقت، اینکه کجا بوده‌ایم و اکنون کجا هستیم و چه خواهد شد موضوعاتی مهم، هیجان‌انگیز، مطلوب و ضروری هستند که اندیشمندان دینی و غیر دینی بدان پرداخته‌اند. اما نتیجه همچنان رضایت‌بخش نیست و ناشناخته‌های بسیاری باقی مانده، به علاوه اینکه در برخی موضوعات تعارضات و تضادهایی است که بایستی مرتفع گردند. هنگامی که می‌بینیم بحث در وجود موجوداتی به نام جن که وجود آنها به صراحت در آیات و روایات آمده، برخی محققان را تا انکار آنها می‌کشاند؛ این نشان‌دهنده پیچیدگی بحث و دشواری این مسئله است که بیشتر از کمبود شواهد ناشی می‌شود تا عدم توجه به موضوع. تعدادی از مفاهیم همواره برای بنده مطرح و مبهم بوده و هست و شاید برای خواننده نیز مورد توجه باشد، موضوعاتی که از گذشته به آن‌ها اندیشیده‌ام و سوالاتی که به پاسخ آنها

هنوز دست نیافته‌ام و به طور اجمالی فهرستی جزئی از اینگونه سوالات را در ذیل ذکر می‌کنم:

- آیا عقل اولین مخلوق حق تعالی است؟
- آیا گیتی و عالم همیشه بوده یا همیشه خواهد بود؟
- جهان طبیعت چگونه ایجاد شد؟
- آیا انفجار بزرگ نظریه‌ای درست است؟
- طبیعت چیست؟ چه تعریفی دارد؟ جسم چیست؟
- ملائکه و شیاطین چگونه اند؟
- شیطان کی ساخته شد؟ چگونه است؟ روح دارد؟ عقل دارد؟ نفسی مانند نفس انسانی دارد؟ خصوصیات فیزیکی‌اش چیست؟ اصلاً می‌توان از فیزیک او صحبت کرد؟
- عوالم امر و خلق کجاست، این عوالم که وجود ذهنی نیستند و وجودی خارجی دارند پس عالم امر کجای این گیتی است؟
- عقل چیست؟ عالم عقل کجاست؟ عوالم خلق و عالم امر کجای جهان هستی هستند؟ آیا آنطور که بگوییم آنها عوالمی حقیقی‌اند کافیه؟ عقل کجای جهان هستی است و چگونه انسان با آن در ارتباط است؟
- علم چیست؟ عقل چیست؟ تفاوتشان در چیست و اشتراکشان در کجاست؟
- آیا همانگونه که برخی گفته‌اند عالم امر، عالم فرشتگان و عالم خلق موجودات روی زمین هستند؟
- ارواح کی و کجا خلق شدند؟

- روح آدمی چگونه و از چه ساخته شده است؟ آیا انسان واقعاً روح دارد یا روح او همان دنا (DNA) است؟ روحش چگونه است؟ آیا صرف اینک بگویم روح مجرد است، همه چیز را توجیه می‌کند؟ نفس انسانی چیست و آیا بسنده کردن به این گفتار که روح آدمی عنصری مجرد است همه‌ی سوالات را پاسخ می‌دهد؟
- روح مجرد از چیست؟ مجرد از ماده یا کوآرک است؟ ماده چیست؟ الکترون ماده است؟ کوآرک چطور؟
- آدم چگونه آفریده شد؟ از گل! آیا اینک بگویم خداوند همه‌ی موجودات را به صورت مرحله به مرحله طبق قوانین علی آفرید ولی در خلقت آدم (ع)، آن را از گل معمولی دفعتاً خلق کرد، ظلمی محسوب نمی‌شود؟
- آیا انسان از نسل حیوانات است؟ این که از نسل حیوان است اصلاً معنی مشخصی دارد؟ معنیش چیست؟
- عالم ذر کجاست؟ الان وجود دارد یا در زمانی بود و دیگر نیست؟ حقیقت است یا مجاز؟
- بهشت و جهنم کجا هستند؟ مگر نه آفریده شدند مکانشان کجاست؟
- نحوه عمل انسان چگونه است؟ چگونه اعمال ثبت می‌شوند؟ چگونه به روح منسوب و متصل می‌شوند؟ یعنی گناه روح را کثیف می‌کند، چگونه؟ جرم می‌گیرد؟
- کتاب چیست؟ علم و عمل چگونه تقابل دارند؟
- بداء چیست؟
- رجعت چیست؟ آیا همه‌ی مردم دوباره به زمین باز می‌گردند؟

سوال بسیار است و پاسخ‌ها گوناگون و سلیقه‌ای. در مجموع سوالات بسیاری مطرح است و آنچه حاصل تفکرات بشر بوده و هر آنچه متفکران شیعی بر آن افزودند، همچنان مختصر و ناقص است و ناشناخته‌های بسیاری در عالم و آدم وجود دارد که در بحث‌های مربوط به آنها، سر بسته از کنار آنها گذشته‌ایم.

بحث خلق آدم (ع) آنقدر پیچیده است که گفتار معصومین علیهم‌السلام در باب خلقت حضرت آدم (ع) به همان کلام خدا بر می‌گردد و هم‌صدا با کلام الهی می‌فرمایند که او از گل خلق شده است. داستان خلقت او آنقدر ظرافت دارد که برای مردم هزار و اندی سال پیش سخن از تکامل و ژن و مباحث زیستی آن بسیار پیچیده و عجیب بوده و به همین خاطر ائمه معصومین (ع) به همان کلام خدا بسنده کردند.

جالب اینکه در اکثر مباحث این گونه‌ای مانند بحث عقل غالباً گفتار از عوارض و خواص آن بحث می‌شود و از ماهیت آن به ندرت سخنی گفته می‌شود! عقل چیست؟ جوهر مجرد و لطیفی است که خدا برای اندیشه‌ء انسان آفرید. آیا این تعریف عقل است؟ یا اینکه العقل ما عبد به الرحمن و اکتسب به الجنان.

در یک نمونه از ابهام می‌توان از فرشتگان سخن گفت. مردم عادی تصور می‌کنند که فرشتگان موجوداتی انسان شکل هستند و آنها را در قالب دخترانی تجسم می‌کنند که در آسمان سکونت دارند. چنین نمایشی بیشتر حاصل تصورات مسیحیت و یهودیت بوده؛ چنانکه در آثار و نوشته‌های ایشان آمده و نیز در نقاشی‌های آنان جلوه‌گر شده است. این نمود اگرچه در اسلام مردود است با این حال اندیشمندان اسلامی هم از این موجودات خصوصیات بیشتری ارائه نمی‌کنند و تنها به اینکه آنها مجرداتی با دو یا چند بال هستند اکتفا می‌کنند.

اندیشمندان جهان بر این باورند که «عالم همانگونه است که من می‌بینم» ولی شایسته و بایسته است که «عالم را همانگونه که هست باید دید». برای نگرش عمیق‌تر به جهان هستی که از دید کوتاه بشر مخفی است و میسر انسان‌های معمولی نیست باید به رجال الهی و کتب آسمانی و مهمتر از همه به خداوند مراجعه کرد و از او یاری خواست تا نگرش صحیحی به عالم و آدم پدید بیاید.

برای نگارنده مفاهیمی مانند مجرد بی‌معنی است اینگونه مفاهیم هنوز رنگ و لعاب کلاسیک و سنتی خود را دارد و تنها تسلی بخش علمی است که درباره‌ی آنها اطلاعات چندانی نداریم. مجهولاتی ماورائی که وقتی صحبت از آنها به میان می‌آید با برچسب «مجرد» از آنها می‌گذریم و با این کلمه آنها را توجیه می‌کنیم. با وجود اینکه برای بسیاری از مسائل تعاریف و حدود مشخصی قرارداد شده، با این حال بعضی مفاهیم همچنان تعریف جامع و همه‌گیری نداشته و به‌گونه‌ای مبهم، چندپهلوی و یا نادقیق مطرح شده‌اند. هنوز تعریف دقیقی از عقل و ایمان نداریم؛ نمی‌دانیم عمل انسان چه‌گونه ثبت می‌شود؛ آیا فرشته‌ای با قلمی در دست آن را بر لوحی می‌نگارد و گاهی آن عمل را از لوح پاک می‌کند؟ مفهوم طبیعت همچنان مبهم است و نمی‌توان به‌راستی مشخص کرد که کوارک‌ها هم در طبیعت قرار می‌گیرند و آیا فرشته فراطبیعی است یا خیر! آیا حقیقت جن‌ها که در ابهام قرار دارد ما را به سمت آن می‌کشاند که جن‌ها بهیمنه‌اند. به هر حال ناشناخته‌ها بسیارند و امید است که دریابیم و به کار گیریم.

**ش. نصرتی**

بروزرسانی فروردین ماه ۱۴۰۳